



اخلاق پزشکی در آینه ی تاریخ ایران و اسلام

جلیل بختیاری^۱، دلنیا نادری^۲

۱- کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان دیواندره

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دبیر آموزش و پرورش شهرستان دیواندره

چکیده:

با توجه به ابعاد جسمی و روحی انسان و سرمایه‌های الهی در وجود او و اکرام خاص خدای تعالی در حق آدمی، شایسته است که انسان از نعمتهای الهی به طور صحیح استفاده کند و هرگاه جسم و روان او دستخوش بیماری شود به دنبال مداوای آنها باشد. این موضوع نیاز به طبیب و مداوا را در انسان پدید می‌آورد و چون بیماری جسمی و روحی، عوارضی را بر بدن و روان ایجاد می‌کند، شایسته است به نحو احسن درمان صورت گیرد و اسرار بیماری از دیگران مخفی بماند. در نتیجه به موضوع و مقوله اخلاق در طب نیازمند می‌شویم. آیا در ایران و تمدن اسلامی آدابی برای این قضیه وضع شده است یا نه، سوالی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود. هم‌چنین مصادیقی عینی از اصول اخلاقی پزشکی از دیگر مواردی است که به آن پرداخته شده است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مطالب از کتب ادبی و متون تاریخی است. پس از بررسی منابع این نتیجه حاصل شده که با توجه به سفارشهای پیشوایان دینی، اصول و اخلاق پزشکی در ایران و مخصوصاً تمدن اسلامی نمود یافته و آدابی برای آن وضع شده که اطبا موظف به انجام و اجرای آن بوده‌اند. ذکر نمونه‌ها و مصادیق از هر اصلی می‌تواند سند انکار ناپذیر ادعای نویسندگان مقاله باشد.

واژگان کلیدی: طب، اخلاق، اخلاق پزشکی، ایران، اسلام.



۱- مقدمه:

آدمی موجودی است سلیم الفطره و به موازات بُعد انسانی خود از طرف خالق کردگار، ودیعه‌هایی چون عقل، تفکر و انتخاب و اختیار و وجدان اخلاقی و برتر از هر چیز فرستادگان الهی در طول حیات مادی با وی همراه و همدم بوده‌اند و از دیدگر سو به مقتضای این سرمایه‌های عظیم، برای پی‌موندن قله‌های ترقی، توسط خدای متعال با توجه به ظرفیت و استعدادش، در بونه‌ی امتحان و آزمایش قرار گرفته است تا مس‌وجودش به کیمیای عشق بدل شود.

از طرفی دیگر، هر اندازه که انسان از مرحله بدویت گذشته و در مسیر معرفت گام نهاده، با سختی‌های زندگی بیشتر به نبرد پرداخته و به بهزیستی و تندرستی خود و فرار از مرگ بیشتر توجه نموده است. تعالیم روح‌نواز پیام‌آوران کائنات هم‌هنوا با این تلاش‌ها، مردمان را به جهد برای تداوی بیماری‌ها سوق داده که ((هر که دردی داد در مان نیز داد)) در نتیجه پیروان این دین آسمانی برای دست یافتن به مصادیق ((عقل سلیم محتاج جسم سلیم است)) به تکاپو پرداخته و به اندازه بهایی که به دانش فقه می‌دادند، علم طب را هم تکریم نمودند و با پندارهای نادرست ناشی از ((تن دادن به سرنوشت محتمل و تسلیم محض در برابر تقدیرات الهی)) به مبارزه برخاستند و با پناه بردن به اسباب پزشکی از قضای الهی به تقدیر نیکوی الهی روی آوردند.

از آنجا که پزشکی از حرفه‌های مورد نیاز جامعه در هر زمان و مکانی می‌باشد، ضرورت باندها و نبایدهای مربوط به این حرفه از دیرباز تا امروز مورد بحث و مشاجره و تأیید قرار گرفته و مجموع آن چه که امروز به عنوان ((اخلاق پزشکی)) مطرح می‌شود، نتایج و محصول این بحث‌هاست.

اخلاق پزشکی به عنوان یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای می‌گوشد که اخلاقیات را به صورت کاربردی در حیطه عمل پزشکان و کادر پزشکی و نیز در حوزه تصمیم‌گیری‌های اخلاق در پزشکی وارد نماید.

جایگاه ارزشمند طب در ادیان الهی و توجه ویژه به حفظ سلامتی انسانها و نیز روند افزایشی مسائل مستحدثه پزشکی و ارتباط آن با شخصیت انسانها و نگاه عمیق به سابقه تحولات پزشکی اهمیت دوچندان اخلاق در پزشکی را بیشتر نمایان می‌سازد.

در این نوشتار به این سؤال پاسخ داده شده که آیا در طب قدیم در ایران و اسلام از نظر اخلاقی قوانینی وجود داشته است یا نه؟ همچنین مصادیق این موازین اخلاقی از کتب معتبر تاریخی و متون ادبی کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش و تحقیق:



از قدیم‌الایام هم‌زمان با پیدایش علم طب، اخلاق جزء لاینفک آن بوده است؛ با این وجود کتابی که به طور اختصاصی درباره‌ی اخلاق پزشکی به رشته‌ی تحریر درآمده باشد، حداقل در دسترس نیست؛ هر چند که امروز در دانشکده‌های علوم پزشکی، دانشجو ملزم به گذراندن چند واحد درسی در این موضوع می‌باشد. ((سوگندنامه بقراط)) به عنوان قدیمی‌ترین متن پزشکی از یونان باستان به یادگار مانده است. معمولاً مفاهیمی که تحت عنوان ((اخلاق پزشکی)) مطرح می‌شود، در لابلا کتب ادبی و متون تاریخی مستور می‌باشد. از اهم کتب و متون در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) نظامی عروضی سمرقندی در قرن ۶ در کتاب ((چهارمقاله)) در این مورد سخن گفته و چهارمین مقاله کتابش را به علم طب و هدایت طبیب اختصاص داده است. او در این کتاب ((از چهار طبقه از باب فنون که وجودشان در دربار و خدمت شاهان ضروری و لازم بوده، یاد کرده که یکی طبیب است.)) (براون، ۱۳۶۴)

ب) در کتاب کلیله و دمنه، ((باب برزویه طبیب)) به این موضوع اشاره دارد و خصوصیات طبیب و دوری از دلبستگی به منافع دنیوی توسط طیبیان به صورت تمثیلی بیان شده است. (ر.ک: نصرالله منشی: ۱۳۸۹)

ج) چون کار نظارت بر اطباء و دارو سازان یکی از وظایف نهاد ((حسبه)) بود، در کتبی که راجع به این موضوع نگاشته شده‌اند، راجع به وظایف پزشکی و اخلاق آنها مطالب سودمندی آمده است. از جمله این کتابها می‌توان به ((معالم القربیه فی احکام الحسبه)) از ضیاءالدین محمد بن محمد ابن احمد قرشی شافعی معروف به ابن‌الخوه (۷۲۹-۶۴۸) اشاره کرد. او در بخشی از کتاب خود به پزشکی پرداخته است. (ر.ک: یارشاطر، ۲۵۳۵)

د) ابن رضوان کتاب ((الطریق بالطب الی السعاده)) و هاوی ((ادب الطبیب)) و صاعد بن حسن کتاب ((التشویق الطیبی))، و ابن‌ماریه کتاب ((النوادیر الطبیه)) را در این زمینه پدید آورده‌اند. (مولوی و محقق، ۱۳۸۴)

ه) مقاله‌ی ((مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون یوعلی سینا)) که توسط علمی‌احسان حیدری و هم‌کاران نوشته و در مجله ایرانی ((اخلاق و تاریخ پزشکی)) دوره‌ی پنجم شماره ۵ مهر ماه ۹۱ چاپ شده است. در این مقاله نویسندگان به بررسی جوانب اخلاق پزشکی در کتاب ((قانون)) پرداخته‌اند.



با مراجعه به پایگاه های علمی معتبر و کتب مرجع پزشکی، پورتال علوم انسانی و sid و magiran که نویسندگان این پژوهش بررسی کرده اند، تاکنون پژوهشی در باره ی اخلاق پزشکی در ایران و اسلام با استناد به کتب تاریخی و متون ادبی تحریر نشده است؛ بنابراین خلاء چنین تحقیقی احساس می شد.



۳- روش پژوهش:

اطلاعات این پژوهش به صورت تحقیق کتابخانه‌ای بوده که مواد لازم از برر سی کتب تاریخی و متون ادبی اقتباس گردیده است. زمینه‌های اخلاقی ضمن استخراج از متون معتبر با موازین و معیارهای اخلاق تطبیق یافته و آن چه پزشکان در ایران و اسلام عملاً در برخورد با بیماران خود داشته‌اند، با ذکر نمونه‌هایی گردآوری شده است.

۴- تجزیه و تحلیل:

۴-۱- اخلاق و مفهوم آن:

((اخلاق)) جمع ((خُلُق)) در قرآن مجید در معنای مفرد آن دو بار به کار رفته است: یکی در سوره قلم آیه ۴ و دیگر شعرا آیه ۱۳۷.

((این کلمه به معنای سرشت و سجیه می‌باشد و به قول راغب اصفهانی، اخلاق، خصلت‌هایی است که با دیده بصیرت درک می‌شود. و به گفته برخی، اخلاق، ترازوی رفتار، اعمال و اندیشه‌های خوب و بداندانان و زمینه‌ساز وجدان فردی و جمعی است)). (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶)

در سیره و سنت نبوی بسیار بر اخلاق تاکید شده و فلسفه بعثت خود را اتمام مکارم اخلاقی معرفی کرده است ((پیامبر(ص)) یک تغییر اصلی در ارزش‌های اخلاقی سلف به وجود آورد که بر پایه اوامر و نواهی اسلام و ترس از خداوند و روز قیامت قرار داشت و بدین گونه نیکی و انصاف و رحمت و گذشت و بخشندگی و پرهیزکاری و صمیمیت و برادری بین هم‌کیشان جزو فضیلتی شد که باید جانشین اخلاق قبیله گردد)). (یار شاطر، ۱۳۶۰).

((علم اخلاق از ضروری‌ترین علوم برای انسان است. این علم، در حقیقت علم زندگی و آئین زیستن است و از شاخه‌های علم اخلاق می‌توان به اخلاق کاربردی اشاره کرد که در حقیقت در صدد آن است که کاربرد در اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. اخلاق کاربردی شامل ((اخلاق حرفه‌ای)) نیز می‌شود. منظور از اخلاق حرفه‌ای، تأمل در باره اخلاق و مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می‌شود؛ مانند اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت و امثال آن)). (شریفی، ۱۳۸۶)

۲-۴- اخلاق پزشکی

در کنار تقسیم‌بندی علوم به علم دینی، علم ابدان نیز مطرح گردید و طب اسلامی یکی از نمادهای تمدن اسلامی به شمار می‌رود که نه تنها از لحاظ ارزش ذاتی خود دارای اهمیت بوده بلکه صاحبان آن هم علاوه



بر طبابت و تبحر در حرفه خود، در سایر علوم مخصوصاً فلسفه و حکمت صاحب نظر و نام آور بوده اند. اطلاق حکیم به افرادی که عامل اصلی انتشار علوم بوده اند، معمولاً بر پزشکان بوده و به سبب ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان حکیم و طبیب، گاهی پزشک و فیلسوف، هر دو را به نام حکیم خوانده اند. این پدیده نه تنها در فلسفه اسلامی بلکه در میان فلاسفه یهودی هم صادق است؛ به طور مثال موسی بن میمون یهودی علاوه بر تفکر منطقی در عصر خود، در دستگاه حکومتی صلاح الدین ایوبی نیز سمت طبابت داشته است. (ر.ک: نصر، ۱۳۹۱)

در قرون وسطی طب بانی از ابواب حکمت یا فلسفه به شمار می‌رفته و منظور از حکمت در آن ایام همه علوم مادی و عقلی بود و بسیاری از فلاسفه به تحقیق در علم طب مشغول بودند. (ر.ک: غنیمه، ۱۳۷۷)

در فرهنگ ننگ درخشان اسلامی و ایرانی پایبندی به اصول اخلاق پزشکی و طرز درست برخورد با بیمار و همراهان او، از ابتدا مورد توجه بوده است و در عصر حاضر نیز با وجود رواج پدیده‌های ناشایستی از جمله دریافت دستمزد خارج از عرف و قانون، رشوه، بی‌اخلاقی و بد اخلاقی‌های رفتاری و حتی جنسی نسبت به بیماران و نداشتن شناخت کافی از مقام ارزش طب در دین و جامعه توسط عده‌ای از اطباء خوشبختانه شاهد وجود چهره‌هایی فداکار، با غیرت، سخاوتمند و الگو‌هایی کامل و ممتاز اخلاقی علمی در این حرفه می‌باشیم؛ از جمله این آموزگاران عرصه علم و اخلاق می‌توان به مرحوم دکتر محمد قریب (۱۲۸۸-۱۳۵۳)، استاد ممتاز دانشگاه تهران، اولین استاد و بانی کرسی اخلاق دانشکده پزشکی و پایه‌گذار طب اطفال، اشاره کرد که ((حتی آخرین لحظات زندگی خود را با وجود کسالت در بخش پنجم بیمارستان مرکز طبی کودکان، گذراند و حاضر نشد از کودکان و بیمارستانشان دور بماند.)) (سلطان زاده، ۱۳۷۸)

اصول اخلاق پزشکی که در کتب ادبی و متون تاریخی ذکر از آنها آمده و طبیب ملزم به اجرای آنها بود، و در صورت قصور و کوتاهی مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت، عبارتند از: ((داشتن اجازه نامه پزشکی، تقوای پزشکی، پاک‌دامنی، حفظ اسرار بیمار، رعایت ضرورت در تجویز دارو، تلاش برای شناخت داروهای طبیعی، ایجاد امیدواری در بیماران)) که برخی از آنها در این مقاله با ذکر مصادیقی اشاره می‌شود. (ری شهری، ۱۳۸۸)

۱-۲-۴- اجازه نامه و نظارت بر بیمارستان‌ها

معمولاً پزشکان برای حق طبابت خود می‌بایستی اجازه‌نامه‌هایی از اساتید خود داشته باشند که بیانگر مهارت آنها در پزشکی باشد. از جزئیات این اجازه‌نامه‌ها در ایران باستان اطلاعات درستی باقی نمانده است و ملی



می توان حدس زد که اعطای این اجازه‌ها و تنظیم سایر امور صنفی مربوط به این طبقه از وظایف (دُرُست بد) بوده است. (ر.ک: محمدی، ملایری ۱۳۹۴)

در وند یداد، که حاوی اطلاعات جالبی در باره‌ی پزشکی است، اقوام پز شکان، انواع بیماری‌ها، شرایط اشتغال اطباء و دستمزد آنان بر حسب مقام و موقعیت آنها شرح داده شده است.

((به نوشته این کتاب پز شکان مخصوصاً جراحان تازه کار و مبتدی می‌بایستی ابتدا با معاینه کافران سه بار خود را بیازمایند و اگر بیمارشان شفا یافت به درمان کردن مزد پرستان مجاز می‌شدند و گرنه برای همیشه از شغل پزشکی منع می‌شدند.)) (پروشانی و قاسملو، ۱۳۹۰)

در برخی منابع تاریخی از مجالس برگزاری امتحان پز شکان در دوره خسروانو شیروان سخن به میان آمده که شاید یکی از عمل تشکیل این جلسات تعیین معلومات داوطلبان بوده که برای گرفتن اجازه‌ها خود را آماده می‌کردند. (محمدی ملایری، ۱۳۹۴)

از زمان تشکیل دولت‌های اسلامی هم، اطباء پس از طی سالیان دراز مطالعه و تحقیق می‌توانستند در رشته خود صاحب نظر شوند. آنان اجازه‌ها می‌خود را پس از گذراندن امتحان دریافت می‌نمودند تا از پزشک نمایان، ممتاز شوند. ((نخستین کسی که حرفه پزشکی را سامان بخشید و او به خاطر توجه به مسائل علمی، قوانین خاصی برای آن تعیین نمود، خلیفه عباسی، المقتدر بالله جعفر بن معتضد (خلافه ۲۹۵-۳۲۰ ق. بود.)) (عیسی بک، ۱۳۷۱)

از زمان مقتدر به سال (۳۱۹ه)، طیبی در کار خود به خطا رفت و به دستور خلیفه، طیبی حاذق به نام ((سنان بن ثابت بن قره)) مأموریت یافت که اطباء را بیازماید و به شایستگی این حرفه اجازه فعالیت دهد که طی آزمون حدود ۱۶۰ نفر از شیادان پزشکی شک‌نما مردود شدند. وزیر مقتدر، صالح بن علمی، هم دستور داد که گروهی از پز شکان با داروهای لازم در شهر بگردند و بیماران را مداوا کنند و بازدید روزانه از زندان‌ها را به عهده طیبیان گذاشت. (ر.ک: حتی، ۱۳۸۰)

از سوی حکام هم فرمان‌هایی برای نظارت بر بیمارستانها صادر شده است که منشور شرح وظایف آنان بوده است. از جمله، فرمانی است از صلاح‌الدین ایوبی که برای نظارت بر بیمارستان عتیق (ناصری) صادر شده و از مفاد آن می‌توان ((به تعیین حقوق مشخص برای ناظر اشاره نمود تا او تمام همت خود را برای نگهداری اموال و مصارف بیمارستان به کار بندد و بر حال بیماران چنان نیکو بنگرد که سختی‌ها از آنان دور شود.)) (عیسی بک، ۱۳۷۱)



در برخی مناطق کار نظارت بر بیمارستانها توسط ((رئیس الاطباء)) و یا ((محتسب)) صورت می گرفت. پیش از سده ششم، کتب حاسبه، حرفه پزشکی را به صورت مختصر ذکر می کردند و بیشتر به دارو، اوزان و مقادیر می پرداختند. ((شیزری)) (م‌توفی ۵۸۹ه) پزشک زمان خود، کتابی نوشت که در آن اطباء ملزم شدند (سوگند بقراط) را برای انجام صحیح حرفه خود، ادا کنند. (اسمیت، ۱۳۹۴)

۲-۲-۴- آداب و اخلاق پزشک

حرفه پزشکی، چون با جان، ناموس و اسرار زندگی بیماران پیوند می خورد، علاوه بر مقررات اسلامی، دارای آداب و احکام خاصی است که پزشکان ملزم به رعایت و اجرای آن هستند.

۱-۲-۲-۴- احساس مسئولیت در برابر بیمار

از اصلی ترین آداب اخلاقی پزشک احساس مسئولیت نسبت به بیمار است. اگر این حس در وجود پزشک شکوفا شود، وظایف قانونی و اخلاقی خود را به طور تمام و کمال و بدون چشم داشت و نظارت انجام خواهد داد. بیمار حتی اگر رنجور و ناتوان و فقیر باشد، وظیفه انسانی حکم می کند که پزشک سعی بلیغ خود را به کارگیرد تا او را نجات دهد و اگر کوتاهی نماید در بیماری و مرگ او شریک خواهد بود. در کتاب ((چهارمقاله)) که باب چهارم آن به حرفه پزشکی اختصاص دارد، طب را صنعتی معرفی کرده که صحت و تندرستی را در بدن انسان نگاه می دارد و از جمله خصوصیات طبیب را این گونه بر می شمارد: ((اما طبیب باید که رقیق الخلق حکیم المنفس و جیدالحدس باشد و هر طبیب که شرف نفس انسانی نشناسد رقیق الخلق نبود و تا منطلق نداند حکیم المنفس نبود و تا مؤید نبود به تایید الهی، جیدالحدس نبود.)) (عروزی سمرقندی، ۱۳۷۴)

و براساسی دکتر محمد قریب عاشقانه و عارفانه از مصادیق راستین و مخاطب واقعی چهارمقاله نظامی بود. او اطفال آلونک نشین محله بهجت آباد را با شیر رایگان تغذیه و رشد داد و در هنگام بیماری با داروی رایگان این راد مرد برگ، مداوا می شدند. (ر.ک: معظمی، ۱۳۷۸)

۲-۲-۲-۴- تقوای پزشکی

در کتاب ((کلیمه و دمنه)) آنجا که علم طب را از نظر خردمندان و ادیان مورد ستایش قرار می دهد، فاضل ترین پزشک کسی است که رسیدن به ذخیره آخرت را نصاب العین خود قرار داده؛ چرا که در ملازمت این سیرت، نصیب دنیایی نیز حاصل می شود. (ر.ک: نصرالله منشی، ۱۳۸۹)



او در باب برزویه طبیب، معالجه بیماران در هر جا که امید می‌باشد را وظیفه پزشک دانسته است. او در همین باب پزشک را منع می‌کند از این که گمان برد که مردم قدر و قیمت او را چنان که باید و شاید، نمی‌شناسند. (همو: ۳۸)

ابن سینا تذکر می‌دهد که برای انتقال اخلاق پسندیده به کودکان، نباید کاری کرد که کودک به خشم و ترس زیاد و اندوه و شب بیداری دچار شود، تا کودک از همان کودکی به اخلاق و رفتار نیکو خو بگیرد. این قاعده امروز در طب کودکان از اصول انکارناپذیر اخلاقی به شمار می‌رود که افراد خانواده و پزشک در مواجهه با کودک، ملزم به رعایت آن هستند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱)

ابن سینا در برخی حالات، پزشک را ناگزیر دانسته که در اموری چند مداخله نماید، مثلاً در مورد دختر کم سن و سالی که ازدواج کرده، اگر باردار شود، ممکن است سرزایم ببرد، در این جا ابن سینا پی‌شگیری از بارداری را وظیفه اخلاقی پزشک می‌داند و او را مجاز می‌داند که به این امر اقدام نماید. او حتی حالت و روحیه پزشک در درمان بیماری را مؤثر دانسته به این معنی که اگر طبیب به شاش و خندان باشد، در درمان بیمار تأثیر زیادی خواهد داشت. (همو)

۳-۲-۲-۴- حفظ اسرار بیمار و عدم خیانت به آنها:

نهاد نظارتی بر حرف و مشاغل در گذشته ((حسبه)) نام داشت و مأمور حسبه را ((محتسب)) می‌گفتند و در کتبی که راجع به حسبه نگاشته شده، مطالبی هم در باب پزشک و وظایف او آمده است. از جمله وظایف پزشک که توسط نهاد حسبه به آنها ابلاغ می‌شد، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

التزام به سوگندنامه بقراط، جلوگیری از سقط جنین و قطع نسل، در ست نکردن سموم نزد عوام، چشم‌پوشی طبیب از دیدن محارم بیمار، حفظ اسرار مبتلایان. (عیسی بک، ۱۳۷۱)

طیبان چنان تعهد داشتند و بدان عمل می‌کردند که خلیفه از حنین بن اسحاق در برابر دریافت سیم و زر درخواست کرد که ترکیبی سمی و زهرآلود برای یکی از دشمنانش بسازد و او را تهدید کرد که اگر سر باز زند، به اشد مجازات گرفتار می‌آید. حنین پيشهاد او را نپذیرفت و گفت که مهارتش فقط در امور خیر و مفید است و چون خلیفه از ثبات قدم و امانت‌داری او مطمئن شد او را بخشید. (ر.ک: براون،)

از یکی از خوانین پراشتهای فارس در بیمارستان ناصری صلاح‌الدین ایوبی نقل شده که چون وضعیت ممتاز پذیرایی و انواع اطعمه و اشربه بیمارستان را مطابق مزاج خود دید، خود را به بیماری زد و چون پزشک حافظ اسرار بیمار است دستور داد تا او را در بخش امراض داخلی بدون علمت و بیماری چند روز نگاهدارند و پس از چندی که نزدیک بود از پرخوری بیمار شود، او را ترخیص نمودند. (هونکه، ۱۳۷۶)



۴-۲-۲-۴- روحیه تسامح و تساهل

از ابعاد گوناگون اطباء در ایران و اسلام نسبت به یکدیگر با سعه صدر و روحیه تسامح و تساهل برخورد می‌کردند. پزشکان در جلساتی را جمع به مباحث علمی با هم مباحثه می‌کردند. (فق طمی در (تاریخ الحکما) شرح یکی از مجالس مناظره پزشکان در سال بیستم پادشاهی خسرو در جندی شاپور را ثبت نموده است). (محمدی ملایری، ۱۳۹۴: ۲۳۴)

گاهی در دربار خلفا، پزشکانی با عقاید و مذاهب ناهمگون با نظام حاکم فعالیت می‌کردند. در موارد مشکل اطباء اسلامی در جلساتی مشورتی برای به حداقل رساندن اشتباهات پزشکی و رشد دادن هنر طب با هم بحث می‌کردند و معمولاً که نه کارترین پزشک متخصص، ریاست جلسه را به عهده می‌گرفت. (ر.ک، هونکه)

در برخورد با دشمنان و اسیران جنگی نیز توصیه‌های پشویان دینی، همیشه مطمح نظر طبیبان بوده است. در مقررات بیمارستان‌ها گنجانده بودند که اسراء و سربازان زخمی دشمن نیز می‌توانند به طور مساوی از تسهیلات و امکانات بیمارستان برخوردار شوند. (ر.ک: راوندی، ۱۳۸۵)

از جمله اطباء مسیحی یا یهودی می‌توان به نظیف روی، طبیب بیمارستان عضدالدوله، اشاره کرد. برخی از آنها چنان عزیزانه می‌زیستند که از عام جزیل ملوکانه را نپذیرفته و معالجه بی‌حاران را وظیفه انسانی خود دانسته که نمونه‌ی بارز آن موسی بن یوسف است که دو بار عضدالدوله دیلمی را معالجه نمود. (فدایی عراقی، ۱۳۸۰)

برخی هم نایب‌نا بوده‌اند و ملی مهارت خاصی در طب دانسته‌اند و با کمک شاگردان شان از علائم ظاهری بیماری مطلع می‌شدند و بیماری را تشخیص می‌دادند. و برخی چون دائم‌الخمر بوده‌اند و بواسطه مستی عقل شان زوال می‌یافت و هنگام گرفتن نبض بی‌حار، دست‌شان می‌لرزید، از طبابت منع می‌شدند. گاهی هم محسود همکاران و اقربان خود می‌شدند و به فساد عقیده متهم می‌گردیدند. (همو)

۴-۲-۲-۵- توجه به بیماران روحی و روانی

آدمی موجودی است دو بعدی که از جسم و روح تشکیل شده است. بنابراین چون جسم علیل و بی‌حار شود، امکان دارد روح و روان نیز به آن مبتلا گردد. به همین جهت، در کنار طب، ((علم النفس)) یا روان‌شناسی پدیدار شد.

4th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

پزشکان در یونان قدیم، بیهارو حی را به خانواده‌اش می‌سپردند و خانواده مجبور بود که نگذارند از طرف بیهار، آسیبی دیگران را تهدید نماید در حالی که در کشورهای اسلامی، بیهارو حی را در بیمارستان در بخش اعصاب محافظت و معالجه می‌کردند. (هونکه، ۱۳۷۶)

پزشکان دوران اسلامی علاوه بر معالجه جسم، بیماری‌های روانی را شناخته و از ارتباط آنها با امراض جسمی غافل نبودند. از جمله آثار تاریخی که در این زمینه نگاشته شده، می‌توان به ((الطب الروحانی)) رازی و ((الطب و الاحداث النفسانیه)) ابوسعید بن بختیشوع اشاره کرد. (مولوی و محقق، ۱۳۸۴)

در چهارم مقاله از معالجه بیماری‌های روانی تو سطر رازی ذکر می‌شود. از نظر فکری پزشکان اسلامی هیچ‌گاه به دیده تحقیر آمیز و خارج از چهارچوب انسانی به بیهاران روانی نگاه نمی‌کردند و حقوقی مساوی با سایر افراد برای آنها قائل بودند. ابن سینا ((افراد دارای اختلالات روانی را بیهار می‌دانسته و با توصیه به آنها برای توکل به خدا و امید به شفا از جانب او به معالجه‌ی این گروه از بیهاران می‌پرداخته است.)) (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱)



۵- نتیجه گیری:

از مراجعه به منابع ادبی و تاریخی ایران و اسلام این نتیجه مهم حاصل شد که در سایه‌ی تعالیم آسمانی و توجه به ابعاد روحانی و جسمانی انسان، پزشکی‌های شکانی متعهد و متخصص در حرفه‌ی خود در این تمدن عظیم پدید آمدند که فرا تر از تعهدات ((سوگند نامه بقراط)) به اصول و اخلاق پزشکی پایدار ماندند و در طی زمان افکار و عملکرد آنها گواه این ادعاست.

آنان در حین توجه به امراض جسمی، به مداوای بیماران روحی و روانی پرداختند و مهم‌تر این‌که برخلاف سایر ملل که به چشم حقاقت و تفکر خرافی به این گروه می‌نگریستند به آنها نه به عنوان مجرم و جانی بلکه به عنوان انسانی صاحب حق حیات نگاه می‌کردند و مبالغه نیست اگر بگوئیم الگوی سایر ملل در جهان امروز شدند.

هر چند در ایران پیش از اسلام موارد نادری یافت می‌شود که اطباء برای آزمودن خود یا آزمایش دارو، ابتدا مجبور بودند که معاینه بر روی کافران انجام شود و بعد از درستی آن، مزدپرستان را با آن مداوا کنند؛ اما در تمدن اسلامی نه تنها از این موارد خبری نیست بلکه حتی اطباء یهودی و مسیحی و یا از سایر ملت‌ها در دربار خلفا خدمت می‌کردند و برای اسرا و زخم‌یاندشمن هم امکانات مساوی در استفاده از بیمارستان و دارو وجود داشته است. با دادن اجازه‌نامه کارآیی پزشکی از موده می‌شد و می‌کشیدند تا خطا و اشتباه پزشکی به حداقل برسد و از معالجه بیماران توسط پزشکی‌های شکانی که شرب خمر می‌کردند، ممانعت بعمل می‌آمد. از دیگر اصول اخلاقی پزشکی‌های شکانی می‌توان به حفظ اسرار بیماران و عدم خیانت به بیمار و تعهدات پزشکی، اشاره کرد.



کتاب نامه:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- سمیت، امی ملی سوج، (۱۳۹۰)، پژوهشی در دوره اسلامی، تاریخ پژوهشی در ایران و تمدن اسلامی (۱)، چاپ اول، تهران، نشر کتاب مرجع.
- ۳- براون، ادوارد، (۱۳۶۴)، تاریخ طب اسلامی، ترجمه مهی م سعود رجب نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- پروشانی، ایرج، قاسملو، فرید، (۱۳۹۰)، پژوهشی ایرانیان در دوره پیش از اسلام، تاریخ پژوهشی در ایران و تمدن اسلامی (۱)، چاپ اول، تهران، نشر کتاب مرجع.
- ۵- حتی، فیلیپ خوری، (۱۳۸۰)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران، آگاه.
- ۶- حیدری، علی احسان، کشاوری، حسن، نوری سپهر، محمد، (۱۳۹۱)، مروری بر مبانی اخلاق پژوهشی در کتاب قانون بوعلی سینا، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پژوهشی، شماره ۵، دوره پنجم.
- ۷- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۶)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد دهم، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۸- ری شهری، محمد، (۱۳۸۸)، دانش نامه احادیث پژوهشی، ترجمه حسین صابری، چاپ نهم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- ۹- سلطان زاده، محمد، (۱۳۷۸)، خصلتهای استاد، یادنامه دکتر محمد قریب، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۶)، آئین زندگی اخلاق کاربردی، چاپ هجدهم، قم، دفتر نشر معارف.
- ۱۱- عروزی سمرقندی، نظامی، (۱۳۷۴)، چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی و شرح لغات محمد معین، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامی.
- ۱۲- عیسی بک، احمد، (۱۳۷۱)، تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه مهی نورالله کسای، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۳- غنی، عبدالرحیم، (۱۳۷۷)، تاریخ دوازده شگانه های بزرگ اسلامی، ترجمه مهی نورالله کسای، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- فدایی عراقی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، حیات علمی در عهد آل بویه، چاپ اول، تهران، انتشارات دوازده شگانه تهران.



- ۱۵- محمدي ملاييري، محمد، (۱۳۹۴)، فرهنگ انگي ايراني پيش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامي و ادبيات عربي، چاپ ششم، تهران، انتشارات توس.
- ۱۶- معظمي، رضا، (۱۳۷۸)، (راد مردی از سان دو ست، يادنامه دکتر محمد قريب، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- ۱۷- مولوي، محمد علي، محقق، مهدي، (۱۳۸۴)، علم در جهان اسلام، اسلام پژوهشي تاريخي و فرهنگي زير نظر کاظم موسوي بجنوردي، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- ۱۸- نصر، سيد حسين، (۱۳۹۱)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمي و فرهنگي.
- ۱۹- نصرالله منشي، ابوالمعالی، (۱۳۸۹)، کليمه و دم نه، شرح و توضيح: عفت کرباسي و محمدرضا برزگر خالقي، چاپ اول، تهران، زوار.
- ۲۰- هاشمي رفسنجاني، علمي اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۶)، فرهنگ قرآن، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
- ۲۱- هونكه، زيگريد، (۱۳۷۶)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضي رهباني، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- ۲۲- يارشاطر، احسان، (۲۵۳۵)، دانشنامه ايران و اسلام، جلد ۳، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۳- يارشاطر، احسان، (۱۳۶۰)، دانشنامه ايران و اسلام، جلد ۱۰، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.